

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی کاوه آهنگر
فرستنده : جاوید
۱۹ جنوری ۲۰۱۹

کاوه آهنگر - ۱۲

پرده پنجم

ضحاک در روی تخت. وزیر دربار می آید.

وزیر

تاجدارا، دوستان در پیش درگاه آمدند
از پی اجرای فرمان شهنشاه آمدند
لیک شد از نقشه دربار کاوه باخبر
در تمام شهر فوری کرد برپا شور و شر
کوچه ها را یکسر از آشوبگر ها پر نمود

ضحاک

دوستان مطمئن را پیش من آرید زود!

به اشاره وزیر طرفداران ضحاک از اشراف محلی داخل می شوند

دعوت شده ها

- السلام، ای پادشاه مهربان!
- تیغ تو بُرا به فرق دشمنان!
- چیست فرمان شهنشاه عظیم
- تا که ما با جان و دل اجرا کنیم؟

با اشاره ضحاک می نشینند

ضحاک

خوبی ما را شما ها دیده اید؟

آنها

ها، دیده ایم ...

ضحاک

عدل وانصاف مرا سنجیده اید؟

آنها

سنجیده ایم.

ضحاک

من نگهدار شما گردیده ام؟

آنها

گردیده اید.

ضحاک

منصب و مال و لقب بخشیده ام؟

آنها

بخشیده اید

از دور هیاهوی مردم به گوش می رسد.

ضحاک

کاوہ اما فتنہ بر پا می کند

آنها

کاوہ بیجا می کند

ضحاک

در میان مردم اغوا می کند

آنها

می کند، ها، می کند

ضحاک

بهر ملک این فتنہ ها دارد ضرر

بیشتر بهر شما دارد خطر
خویش را ایمن از این اغوا کنید
این سند را مثل خلق امضاء کنید
محضر را که در دست سر دبیر است نشان می دهد.
آنها آن را دست به دست داده و خوانده با تعظیم و تکریم مهر می کنند.
فریاد ها و هیاهو رفته رفته نزدیک تر می شوند.

ضحاك (به وزیر دربار)

بسختی پیش مردم را نگه دار
بیاور كاوه را تنها به دربار!

كاوه دمان به دربار داخل می شود. همه از وحشت می خشکند

ادامه دارد